

بقلم : آقای سعید قیسی

استاد دانشگاه

## دایرة المعارف فارسی

با بست هفته پیش جزوه ای در ۲۰۰ صفحه بقطع وزیری بزرگ بعنوان «دایرةالمعارف» از انتشارات انجمن دایرةالمعارف کابل که اخیراً در آنجا از چاپ بیرون آمده است برای من فرستاده اند و از دریافت آن کمال امتنان را دارم . این جزوه که جزء نخستین کتاب بسیار سودمندی خواهد بود و ۳۴ تن از دانشمندان افغانستان در آن شرکت کرده اند بحرف الف آغاز و بکلمه «آرسین» خاتمه می یابد .

از مقدمه ای که آقای صلاح الدین بر این کتاب بهره بخش نوشته پیداست که پادشاه جوان پرشور و دانش دوست افغانستان در میان خدمت های فراوانی که به فن تألیف و تصنیف و چاپ کتابهای مهم کرده و امروز بحق راهنمای خوشبختی این کشور نزدیک و پیوسته بمانست توجه خاصی در تشکیل انجمن دایرةالمعارف و تألیف این کتاب مهم کرده و این مجله در پرتو سرپرستی آن پادشاه دانا و بینا فراهم شده است . ای کاش ایران عزیز ما هم چنین کسانی در سرکارخویش می دید !

تصفح و دقت چند روزه در مندرجات این جزوه که بسیار مطالب مهم در آن یافتیم و بیشتر مقالات آن سودی کامل میبخشد مرا بیاد آن آورد که ایران نخستین کشور جهانست که دانشمندان آن بکتابهای عمومی شامل همه علوم دست یازیده اند و در حقیقت «دایرةالمعارف» فنی است که ایرانیان بجهان آورده اند و دریغ این است که همه جهان فرهنگیاییکه شامل همه لغات و اصطلاحات و اسامی اشخاص و اماکن و باصطلاح امروز دایرةالمعارف باشد جسته جسته پیدا خواهند کرد جز ما که هنوز در خم آن کوچه تنک و تاریک خویش بن بینی و حسد برقای یکدیگر می زنیم .

در ۱۳۱۹ فرهنگسنان ایران نخستین مجله فرهنگنامه‌ای را که کتاب مختصری در همین زمینه بود و من برای نمونه فراهم کرده بودم چاپ کرد و بنا بود بازمانده آن کتاب هم چاپ شود چنانکه ۸۰ صفحه دیگرش هم چاپ شد و اینک هشت سال است گرد و خاک میخورد. انتشار آن مجله بد خواهانی چند را برانگیخت که از رشک رگ کردن سببر و زبان زهر آلود دراز کنند و وزارت فرهنگ و فرهنگستان ایران هم که گوئی در پی بهانه می‌گشتند که از باز مانده کار شانه تهی کنند بساز آن بدخواهان پای کوفتند و کتاب هم چنان ناتمام ماند. در این مقالات جای آن نیست که در این زمینه بحثی کنم زیرا وارستگی و پارساییکه لازمه دانش و معرفتست زبان خامه را می‌بندد و این اشاره مختصر تنها برای آن بود که خوانندگان سبب چاپ نشدن بازمانده کتاب و عسول و بدخواه آنرا باز شناسند. دریغ که در این دو سال گذشته چندین میلیون ربال از تنخواه بار آورده این دیار هم صرف چاپ کتابی که دعوی میداننداری در همین زمینه را دارد میشود، اما نه آغاز این کار پیدا و نه انجام آن هویدا است و گوئی خاتمت آن بروز رستاخیز و پایان زندگی آدمی زادگان باز بسته خواهد بود و بیگانه نتیجه این خواهد شد که دیگر مردان کار را بزور قانون و دولت از کار دلزده و دست باز بسته در گوشه‌ای بنشانند!

انتشار این جزء اول دایرة المعارف فارسی که در کابل بتألیف و چاپ آن دست زده اند مرا برین داشت که مختصری درباره کتابهایی که ایرانیان در این زمینه یعنی در وصف همه علوم چه بزبان تازی و چه بزبان پارسی نوشته اند درین صحایف بخوانند گمان گرامی بدهم. نخستین کتابیکه ما در این زمینه داریم کتاب «احصاء العلوم» تألیف دانشمند بزرگ ایرانی ابو نصر محمد بن محمد بن طرخان فارابی (۲۶۰—۳۲۹) است که بدانسانند دیگر درین زمینه سرمشق داده است.

پس از آن کتاب معروف «نصایح العلوم» تألیف ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف خوارزمی کاتبستکه بنام ابوالحسین عبیه‌الله بن احمد عتبی وزیر نوح بن منصور سامانی که از ربیع الاول ۳۶۷ تا ۳۷۱ در وزارت بوده است تألیف کرده و این کتاب هر چند اسامی آن تعریف اصطلاحات علمی است در حقیقت کتابی است شامل مبادی همه علوم.

پس از آن کتاب معروف دیگری بنام «کتاب الفهرست» یا «فوز العالوم» تألیف ابوالفرج محمد بن ابو یعقوب اسحاق دراق ندیم بغدادی دانشمند معروف شیعه از نژاد ایرانی معروف به ابن ندیم است که در ۳۷۷ تألیف کرده و هر چند اساس این کتاب هم فهرست تألیفات در هر فنست اما آنرا هم باید نمونه ای از کتابهای این زمینه دانست.

يك دسته از دانشمندان ایرانی در حدود سال ۳۵۰ بتألیف کتاب مهم و بسیار جالبی شامل همه علوم آن زمان است زده‌اند و جمعیتی برای اینکار فراهم کرده‌اند که آنرا جمعیت «اخوان الصفا و خلان العرفا» نام گذاشته‌اند و بهمین جهت کتابی که این جمعیت گرد آورده بنام «رسائل اخوان الصفا» معروف شده و آن مجموعه‌ای از ۵۲ رساله در ۵۲ فن مختلفست که ظاهراً نام نویسندگان آنها معلوم نیست اما پس از کنجکاوها معلوم شده که مؤلفین آنها همه ایرانی و ابوسلیمان محمد بن معشر بستی مقدس و ابوالحسن علی بن هارون زنجانی و ابواحمد محمد بن احمد مهرجانی نهرجوری و ابوالخیر زید بن رفاعه هاشمی و ابوالحسن علی بن رامینای عرفی از دانشمندان نامی قرن چهارم ایران بوده‌اند. سپس حکیم ابوالقاسم سلمه بن احمد بن قاسم بن عبدالله مجریطی (۳۳۸ - ۳۹۸) ظاهراً کتاب دیگری بهمان نام اخوان الصفا تألیف کرده و رسائل اخوان الصفا را بنام «عجمل الحکمه» بفرمان امیر تیمور گورکان بفارسی ترجمه کرده‌اند و بار دیگر سید احمد نام هندی در هندوستان آنها را بفارسی نقل کرده و رساله بیست و یکم آنرا بنام «شرف الانسان» محمد بن عثمان بن الیاس لامعی شاعر معروف زبان ترکی که در ۹۴۰ در گذشته است در سال ۹۳۳ برای سلطان سلیمان بن سلیم آل عثمان پادشاه معروف عثمانی بفارسی ترجمه کرده است.

ظاهراً نخستین کتابی که شامل همه علوم بزبان فارسی تألیف شده کتاب بیست و یکم بنام «نزهت نامه علایی» که شهردان بن ابی‌الخیر در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم برای عضدالدین شمس الملوك علاءالدوله حاجی بیك ابر کالچار گرشاسب - بن علی پنجمین پادشاه سلسله کاکویه (۴۸۸ - ۵۲۷) تألیف کرده است.

پس از آن کتاب «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی دقائق الاسرار» یا «انموذج العلوم» معروف بکتاب «ستین» یا «ستلین» در هشت فن مختلف تألیف امام فخرالدین ابو عبدالله محمد بن ضیاءالدین عمر بن حسین بن حسن بن علی رستمی بکری طبرستانی رازی معروف به امام فخر رازی دانشمند معروف (۲۵ رمضان ۵۴۴ - دوشنبه عید فطر ۶۰۶) بزبان فارسیست.

سپس کتاب معروف «مفتاح العلوم» تألیف سراج الدین ابو یعقوب یوسف بن ابی بکر بن محمد بن علی سکاکی خوارزمی (۵۵۴ - ۶۲۶) بزبان تازیست.

پس از آن کتاب معروف «دره الناح اعز الالباح» تألیف دانشمند بسیار معروف علامه قطب الدین ابوالثناء محمود بن ضیاءالدین مسعود بن مصلح کازرونی شیرازی معروف بعلامه (صفر ۶۳۴ - ۷۱۰) بزبان فارسیست که در میان سالهای ۶۹۳ و ۷۰۵ تألیف کرده است و این کتاب در زمانهای قدیم بسیار رایج بوده و چون همه چیز در آن بوده است به «انبان ملاقطب» معروف شده بود و این اصطلاح بر رایج امروز «انبانۀ ملاقطب» اشاره بهمین کتابست.

سپس کتاب معروف «نفایس الفنون فی عرایس العیون» تألیف شمس الدین محمد بن محمود آملی بزبان فارسیست که از ۷۳۶ تا ۷۴۲ مشغول تألیف آن بوده است.

پس از آن عبدالرحمن بن محمد بسطامی متوفی در ۸۵۸ کتابی در صد علم بزبان تازی تألیف کرده است.

سپس علامه جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی معروف بعلامه (۸۳۰ - رجب ۹۰۸) کتابی بزبان تازی بنام «انموذج العلوم» یا «موضوعات العلوم» در ده علم پرداخته است.

پس از آن کتابیست بنام «الدر النفیسه من مجموعه الخصیه» در چهارده علم تألیف شیخ الاسلام احمد بن یحیی بن محمد حفید هروی شافعی که در ۹۰۶ کشته شده و بزبان تازی نوشته است.

سپس کتاب «دانش نامه جهان» تألیف غیاث الدین علی بن امیران حسن اصفهانی بزبان فارسیست که از دانشمندان قرن دهم ایران و ساکن هندوستان بوده است.

سپس کتابیست بنام « الفوائد الخاقانیة الاحمد قانیة » تألیف محمد امین بن صدرالدین شروانی متوفی در ۱۰۳۶ که در ۳۵ علم برای سلطان احمد آل عثمان بزبان تازی نوشته است .

پس از آن کتاب « عقول عشره » بزبان فارسی تألیف محمد براری امی بن محمد جمشید بن جباری خان بن مجنون خان فاقشال بزبان فارسیست که در ۱۰۸۳ تألیف کرده است .

سپس کتابیست بنام « مداین العلوم » در ۱۴ علم بزبان فارسی تألیف سید محمد رضا موسوی شیرازی که در ۱۲۶۰ تألیف کرده است .

پس از آن کتابیست بزبان پارسی بنام « مطلع العلوم و مجمع الفنون » تألیف واجد علی از دانشمندان هندوستان که در ۱۲۶۲ تألیف کرده است .

سپس کتاب دیگرست بنام « مداین العلوم » تألیف محمد جعفر استرآبادی در ۵ علم بزبان تازی که در طهران در ۱۲۶۲ در زمان مؤلف چاپ شده است .

از این فهرست بسیار مختصر پیداست که دانشمندان ایران تا چه اندازه در تألیف کتابهایی که شامل همه علوم باشد و باصطلاح امروز دایرةالمعارف بزبان فارسی و تازی کوشیده و چه آثار جالب از خویشتن گذاشته اند .

طهران ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷

خزان رسید که تا کیمیاگری کندا

کنار باغ پر از زر جعفری کندا

سه مه حریف بگلزار گستراند زر

سه ماه از آن پس دی سیم گستری کندا

نه بلبلان غزل بیدلانه ساز کنند

نه گل میانه گلزار دلبری کندا

کنونکه بادخزان گلستان مزعفر کرد

بیار آنچه رخ من معصفری کندا

« سروش اصفهانی »